

فلسفہ علم روان شناسی

نویسنده

حسین سلیمانی آملی



سرشناسه : سلیمانی، حسین، ۱۳۴۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : فلسفه علم روان‌شناسی / نویسنده حسین سلیمانی‌املی.
 مشخصات نشر : تهران : زوار، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص:، مصور.
 شابک : 978-964-401-557-1
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : روان‌شناسی -- فلسفه
 موضوع : Psychology -- Philosophy
 رده بندی کنگره : BF۲۸/۱۳۹۷ اس۸
 رده بندی دیویی : ۱۵۰/۱
 شماره ثبت - ایشناسی ملی : ۵۵۶۲۶۲۱



انتشارات روان

■ فلسفه علم روان‌شناسی ■

■ نویسنده: دکتر حسین سلیمانی‌املی ■

■ نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۸ ■

■ شمارگان: ۲۲۰ نسخه ■

■ چاپ و صحافی: سیمین ■

■ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۵۵۷-۱ ■

■ تهران: خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهیدنظری؛ پلاک ۲۷۸ ■

■ تلفن: ۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۶۲۵۰۳ نمابر: ۶۶۴۸۳۴۲۴ ■

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
الف. مفهومی فلسفه علم چیست؟.....	۸
ب. نسبت تاریخ علم با فلسفه علم چیست؟.....	۹
ج. مشکل تاریخ علم چیست؟.....	۱۲
فصل اول: مفهوم و تاریخ فلسفه علم روان‌شناسی.....	۱۵
الف. مفهوم فلسفه علم روان‌شناسی.....	۱۷
ب. تاریخچه و متفکران علم روان‌شناسی.....	۲۲
فصل دوم: تعریف علم روان‌شناسی و موضوع و مسائل آن.....	۴۷
الف. تعریف علم روان‌شناسی.....	۴۹
ب. موضوع علم روان‌شناسی.....	۵۰
ج. مسائل روان‌شناسی.....	۵۱
فصل سوم: روش روان‌شناسی و تقسیم‌بندی آن.....	۵۵
الف. روش روان‌شناسی.....	۵۷
ب. تقسیم‌بندی روان‌شناسی.....	۶۲
فصل چهارم: مبادی علم روان‌شناسی.....	۶۵
الف. مبادی علم روان‌شناسی قدیم.....	۶۷
ب. مبادی علم روان‌شناسی جدید.....	۷۴

فصل پنجم: هدف و فواید علم روان‌شناسی ۷۷

الف. هدف علم روان‌شناسی ۷۹

ب. فواید علم روان‌شناسی ۸۰

فهرست اشخاص ۸۵

فهرست اماکن ۸۷

فهرست منابع و مآخذ ۸۹

نصاویر ۹۱

www.ketab.ir

پیشگفتار

پیش از آن که در باب فلسفه علم روان‌شناسی سخنی گفته شود لازم است سه عبارت «علم روان‌شناسی»^۱ و «فلسفه روان‌شناسی»^۲ و «فلسفه علم روان‌شناسی»^۳ مطلبی به اختصار بیان گردد:

۱. علم روان‌شناسی، دانشی است که موضوع آن روان انسان و یا حالت‌های روانی و ذهنی او است. خدایا در روان‌شناسی جدید که بر این حالت‌های روانی و ذهنی تمرکز و تکیه می‌شود، امروزه علم روان‌شناسی به شاخه‌ها و رشته‌های مختلف خود توسعه یافته است.

۲. فلسفه روان‌شناسی، دانشی است که در صدد است به پرسش‌های فلسفی در حوزه علم روان‌شناسی پاسخ دهد. یعنی به چرا، که یک روان‌شناس قادر به پاسخ آن نیست پردازد و آن را بررسی نماید. و در صورت توان و امکان به آن پاسخ قانع کننده دهد.

۳. فلسفه علم روان‌شناسی، که این اثر به آن می‌پردازد، دقیقاً همان علم علم روان‌شناسی است. یعنی دانشی است که بر علم روان‌شناسی تکیه و

1. psychology
2. philosophy of psychology science
3. philosophy of psychology

تمرکز می‌کند تا ببیند که چه شناسنامه و شجره‌نامه و روش و هدف و فایده و سخنی برای گفتن دارد.

اما پیش از پرداختن تفصیلی به فلسفه علم روان‌شناسی که این اثر در صدد بررسی آن است، خالی از فایده نیست که در باب مفهوم فلسفه علم یا علم علم توضیحی داده شود:

الف. فلسفه علم چیست؟

فلسفه علم را در یک تعریف ساده، «علم‌شناسی»^۱ یا «متدولوژی»^۲ گفته‌اند. قول پاسمور^۳، به دلیل آنکه علم در باب موقعیت‌های استراتژیک خود چیز به ما نمی‌گوید، این استراتژی‌ها در فلسفه علم توصیف و تبیین می‌شوند. فلسفه علم را می‌توان پژوهش در فرضیه‌های علمی یا جستجو در فعالیت‌های دانشمندان با روش‌های خاص فلسفی تلقی نمود.^۴ شکی نیست که در باب روش پژوهش‌ها، فلسفی نیز اختلاف نظر وجود دارد، ولی با این وصف، در تعیین اینکه مثلاً محتوای فلان کتاب، اجتماعی یا روان‌شناختی یا فیزیکی و یا فلسفی است مشکل چندانی وجود ندارد.

البته می‌دانیم که وظیفه فیلسوف این نیست که معلوم کند مثلاً فیزیکدان‌ها در چه سن و سالی بهترین کارهایشان را انجام می‌دهند و یا آن‌ها به کدام طبقه اجتماعی تعلق دارند، و یا نظایر آن، اما با حذف این مسائل، باز هم مسائل بسیاری مطرح می‌شوند که فایده علم نامیده می‌شوند.

۱. فلسفه علم بر دو گونه است: پسینی و پیشینی. علم‌شناسی پسینی نیز خود سه بخش دارد: یکی تحقیق تاریخی در مبادی غیرعلمی علم؛ دیگری بازسازی عقلانی تاریخ علم و تحلیل منطقی اجزا و اقدام‌های درونی آن و سوم تبیین روان‌شناختی و جامعه‌شناختی رفتار جمعی عالمان. (مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، مقدمه عبدالکریم سروش، ص ۹).

2. methodology

3. pastimour

4. John Passmore, The Relevance of History to the Philosophy of Science. opcit.

p. 7.

اگرچه شاید نتوان محور وحدت بخشی را میان آن‌ها پیدا نمود، ولی به سبب داشتن مشترکات بنیادی، تحت عنوان فلسفه علم قرار می‌گیرند.^۱

ب. نسبت میان تاریخ علم و فلسفه علم چیست؟

۱. تاریخ علم به منزله سرچشمه مسائل و اطلاعات از دیدگاه متفکرانی همچون کوهن^۲ و پاتنام^۳، تاریخ علم به فلسفه علم، مدافعان را اطلاعات فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، روش و رهیافت فیلسوف علم درجه باشد، تاریخ علم می‌تواند برای او به عنوان منبع مسائل و اطلاعات مفید باشد. به زعم پاسمور، وقتی پاتنام ادعا می‌کند که فلسفه فیزیک با رشد علم دانش فیزیک در زمان تداوم می‌یابد، از چنین منظری به تاریخ علم نظر می‌کند. البته بر این برداشت از تاریخ علم، سودمندی تاریخ از خصوصیت ویژه‌اش به عنوان «تاریخ» ناشی نمی‌شود؛ همچنان که کوهن معتقد است: فیلسوف در یادگیری خود علم بهتر از عهده آشنایی با تاریخ علم برمی‌آید؛ یعنی به نظر او، «تاریخ علم» یکی از راه‌هایی است که در آن، فلاسفه علمی که صرفاً آموزش فیلسوفانه دیده‌اند، می‌توانند دریابند که علم

۱. اصطلاح «شبهات خانوادگی» (Family resemblance) به وسیله وینگشتن بنا بر این منظور تأکید بر این نکته به کار رفت که نشان داده شود نمی‌توان در همه موارد، برای معرفی مفاهیم، از تعاریف تحلیلی، که شرایط لازم و کافی را برای معرفت‌ارایه می‌دهند، استفاده کرد. وحدت میان برخی چیزها، که تحت مقوله واحدی جای داده شده‌اند، ممکن است به برخی شبهات‌ها در میان بعضی اعضا متکی باشد؛ مانند شباهتی که میان اجزای صورت اعضای یک خانواده به چشم می‌خورد یک مثال مناسب در این زمینه، مفهوم بازی است که مصادیق آن، که یک طیف گسترده را به وجود می‌آورند، با ویژگی‌های متفاوت تعریف می‌شوند، به طوری که هرچند میان دو عنصر مجاور، برخی ویژگی‌های مشابه یافت می‌شوند، اما ممکن است میان دو عضوی که در انتهای دو طیف واقع شده‌اند هیچ ویژگی مشترکی موجود نباشد. (علی پایا، «فلسفه تحلیلی چیست؟»، نامه مفید، ش ۱۵، ص ۲۸).

2. Thomas Kuhn

3. Putnam

راجع به چیست.^۱ از این منظر، اگرچه تمام فعالیت‌هایی که «فلسفه علم» نامیده می‌شوند از تاریخ علم تغذیه می‌کنند، اما مکاتب گوناگون براساس نوع مسائلی که در تاریخ علم با اهمیت و اصلی تلقی می‌کنند، با هم تفاوت دارند. به عبارت دیگر، نیاز آن‌ها به استفاده از منابع مورخان علم متفاوت است.

۲. تاریخ علم به منزله بستر ارزیابی ادعاهای فلسفه علم

واقعیت‌های مربوط به تاریخ علم می‌توانند برخی از دعاوی فلاسفه علم را ابطال نمایند یا همان‌گونه که بوهم^۲ یادآور شده است، مفاهیم و نظریه‌ها را مطرح شده در فلسفه علم را می‌توان در بستر واقعیات تاریخی مورد ارزیابی قرار داد.

در اینجا پاسمور^۳ از «بر» به عنوان صاحب «ایده‌های مشخص» و «نظریه‌های معین» روئیندیش می‌کند و آراء او را برای ارزیابی به تاریخ علم می‌برد تا نشان دهد که تعریف او از ماهیت پیشرفت‌های علمی تا چه حد با واقعیت علم (و نه با رؤیای فیلسوف از آنچه علم «باید» باشد) انطباق پیدا می‌کند. «وقتی او می‌پذیرد که مسئله کلاسیک استقرار راه‌حلی ندارد و یا نظریه معنا در آراء اثبات‌گرایان^۴ با مشکلات روبروست، طبعاً از او انتظار داریم راه‌حل دیگری عرضه کند و او به‌عنوان یک فیلسوف ساختاری^۵ ابطال‌پذیری را به‌عنوان معیاری برای علمی‌بودن نظریه‌ها پیشنهاد می‌کند.^۶ بعد توضیح می‌دهد: اگر بخواهیم ادعای رشد معرفت علمی بکنیم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟ پاسخ پیشنهادی او این است که کاری بهتر از

1. Thomas. s. Kuhn, The Essential Tension, p. 11.

2. Bohemia

3. Karl Popper

4. positivists

5. structural philosopher

6. J. Passmore, opcit, p. 9.

به کارگیری روش انتقادی نمی‌توان انجام داد و باید به مدد حدس‌ها و آزمون‌ها، بتوانیم فرضیه‌ها را به بوته ابطال نهاده، و خطاها را حذف نماییم.

حال می‌توان پرسید: چرا همه دانشمندان باید به نظریه دستوری^۱ پوپر توجه کنند؟ همان‌گونه که مارگارت ماسترمن می‌گوید: «تنها کاری که عالمان به هنگام پژوهش‌های علمی انجام نخواهند داد، این است که راه‌های تفکرشان را براساس سفارشات پوپر و فایربرد تغییر دهند.»^۲ به زعم پاسمور، وقتی به مسئله «آنچه دانشمندان واقعاً انجام می‌دهند» نظر می‌کنیم، مطمئناً نمی‌توانیم اصرار بر این را صائب بدانیم (اگرچه بدون شک، بخشی از عبارات پوپر، رنج و ویژگی‌های علم را بیان می‌دارد)؛ چرا که توضیحات و تبیین‌های عدیده‌ای از عمل‌دهای دانشمندان وجود دارند که مؤیدی برای این دعوی شمرده نمی‌شوند. بهترین راه سهیم شدن در پیشرفت‌های علمی، به کارگرفتن روش حدس و ابطال است؛ زیرا «می‌توان به موارد متعددی در تاریخ علم اشاره کرد که در آن، دانشمندان با روش‌هایی غیر از روش «حدس و ابطال» به پیشرفت علم کمک کرده‌اند... بنابراین، روش «حدس و ابطال» نه تنها نظریه‌های متافیزیکی را شامل نمی‌شود، بلکه حتی همه نظریه‌های علمی را هم دربر نمی‌گیرد. علاوه بر این، خود این نظریه متافیزیکی و ابطال‌ناپذیر است.»^۳ در اینجا پوپر باید توضیح دهد که چرا نظریه‌های دیگری که در باب ماهیت روش علمی، نظریه‌های علمی، پیشرفت علم و... وجود دارند و نظراتی بدیل نظریه او هستند، می‌توانند توسط جامعه و تاریخ باطل شوند، اما نظریه او باطل نمی‌شود.

پاسمور توصیه‌های پوپر را با آن نوع نصیحتی که ماکیاوولی در قالب

1. normative theory

2. Margaret Masterman, The Nature of a Paradigme (1910), p. 60.

3. J. Passmore, opcit, p. 12.

۱۰ حکم^۱ به قانون‌گذاران می‌داد، مقایسه می‌کند: «فردی که به‌طور طبیعی پندی می‌دهد یا امری را تجویز می‌کند، آن پند را می‌توان خوب یا بد نامید، نه درست و نادرست. بنابراین، در بحث حاضر پوپر به پرسش چرا من با روش حدس و ابطال بهتر عمل می‌کنم، تنها می‌تواند پاسخ دهد که در واقع، عالمان به وسیله روش حدس و ابطال می‌توانند به پیشرفت علم کمک کنند. تاریخ علم می‌تواند برای آزمون این نظریه به‌کار رود؛ بدین‌گونه که آیا فلسفه ساختاری علم در توصیف استراتژی‌های علمی تنها راه موفقیت‌آمیز است، یا آن‌گونه که مارگارت ماسترمن^۲ می‌گوید، به شکلی از تبلیغ و خطابه قابل تحول است. این امر را می‌توان اصلاح مدعا یا ارزیابی آن به وسیله تاریخ علم نامید.»^۳

ج. مشکل تاریخ علم چیست؟

اکنون می‌توانیم به یک مشکل کلی‌تر عموماً می‌پردازیم که هرگونه تلاشی برای دست بردن در تاریخ علم با آن مواجه می‌شود و آن اینکه همان‌گونه که تاریخ علم معمولاً بیانگر دیدگاه فلسفه خاصی از علم است. مثلاً، رابرت هال، که تاریخ علم را از گالیلئو تا نیوتون به رشته تحریر کشیده است.^۴ الگوی خاصی را از آنچه پیشرفت در علم محسوب می‌شود، در ذهن خود داشته و شاید همین امر او را به سوی نوعی مبانی‌گویی در باب ابعاد ریاضی علم نیوتون و بی‌ارزش جلوه‌دادن اهمیت تجربه در علم سابقه داده باشد. (در تلاش برای استفاده از تاریخ عمومی به‌عنوان روش برای ابطال نظریه‌های سیاسی و اجتماعی هم ممکن است چنین عقایدی ابراز شود.) پاسمور معتقد است: این امر یک مشکل حل‌ناشدنی نیست و با مشکلاتی

1. norms

2. Margaret mysterman

3. J. Passmore, opcit, p. 15p. 16.

4. A Rupert. Hall, From Galileo to Newton (london, 1963)

که عموماً در زمینه گزارش مشاهدات به وجود می‌آیند، از نظر نوع، تفاوت چندانی ندارد. (مشکلاتی که در زمینه گزارش مشاهدات به وجود می‌آیند به این صورت که مشاهده‌گر با ذهن خالی و فارغ از نظریه به مشاهده نمی‌پردازد و همواره پیش‌فرض‌هایی دارد که در گزارش او از امر مورد مشاهده تأثیر می‌گذارند.) می‌توان امیدوار بود که گفت‌وگویی مستمر و پیوسته میان تاریخ علم، حد و مرز هر دو را بهتر روشن نماید و فیلسوفان و مؤرخان علم را به سوی داد و ستدی هدفمند سوق دهد، به گونه‌ای که در عین توجه، مباحثی که مرز میان علم و غیر علم را مخدوش می‌نمایند و تاریخ علم (و به تبع آن، علم را) با جامعه‌شناسی، مواضع سیاسی و روان‌شناسی عالمان آغشته می‌نند، داد عقلانیت روش‌های علمی را هم بستانند.

در پایان شایسته و بایسته است که ناشر اندیشمند و فرهیخته و اهل درد انتشارات زوار، جناب دکتر علی زوار، بابت همکاری‌ها و زحمات‌های بی‌دریغشان در چاپ این کتاب و بلکه اکثر آثار چیزم کمال تقدیر و تشکر بنمایم.

حسین سلیمان اصل

اول مهرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت هجری شمسی